

آواز پر جبریل^ع

مضفات فارسی شیخ اشراق

تألیف

شیخ شهاب الدین یحیی سروری

به کوشش

احمد رضا نوری

سرشناسه	: سه‌روردک، بحی بن حبش، ۵۲۹-۵۸۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: آواز پر جبرئیل: مصنفات فارسی شیخ اشراق / تالیف شهاب‌الدین یحیی سه‌روردی: به کوشش احمد رضا نوری.
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۵۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	: نوری، احمد رضا، ۱۳۴۲، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۷۲۲BBR
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۱۹۳۰۹



انتشارات مشور سمیر

آواز پر جبرئیل

مصنفات فارسی شیخ اشراق

تألیف: شیخ شهاب‌الدین یحیی سه‌روردی

به کوشش: احمد رضا نوری

پیشگفتار: دکتر غلامرضا اعلی

ناشر: مشور سمیر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول-۹۴

شماره نشر: ۶۳-۱

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹-۵۳-۱

www.manshoorsamir.ir

© حق چاپ: ۱۳۹۴، انتشارات مشور سمیر

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی) و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

مقدمه	۱۱
مقدمه نویسنده	۱۵

بخش اول: رسائل فلسفی ... ۱۷

(۱) پرتوانامه	۱۹
فصل اول - در شرح بعضی اصطلاحات و تعریف جسم و بعضی احوال او	۱۹
فصل دوم - در نهایت مُحدّد و مکان و زمان، و اشارتی به کون و فساد	۲۳
فصل سوم - استبصار نفس	۲۹
فصل چهارم - در قوای نفس	۳۱
فصل پنجم - در ذات واجب الوجود و صفاتش	۳۴
فصل ششم - در فعل واجب الوجود	۳۸
فصل هفتم - در غایات و ترتیب وجود	۴۱
فصل هشتم - در اسباب حوادث و خیر و شر و قضا و قدر	۴۵
فصل نهم - در بقای نفس و سعادت و شقاوت و مانند آن	۵۰
فصل دهم - در نبوت و معجزات و کرامات و منامات و مثل آن‌ها	۵۶
(۲) هیاکل النور	۶۱
هیکل اول	۶۱
هیکل دوم	۶۲
هیکل سوم	۶۵

هیکل چهارم.....	۶۶
فصل اول.....	۶۶
فصل دوم - واسطه هیکل.....	۶۷
فصل سوم.....	۶۷
خاتمه هیکل - فصل چهارم.....	۶۸
فصل پنجم.....	۶۹
هیکل پنجم.....	۷۰
خاتمه هیکل.....	۷۳
هیکل ششم.....	۷۴
هیکل هفتم.....	۷۵
(۳) الواح عمادی.....	۷۷
مقدمه.....	۷۷
لوح اول - در تناهی اجسام و در طرفی از آسمان و عالم و در بسائط اجسامو آنچه از آن حادث شود.....	۸۰
لوح دوم - در نفس، و اشارتی سبک به قوای نفس.....	۸۶
قاعده.....	۸۶
تذکرات.....	۸۸
قاعده.....	۸۹
قاعده.....	۹۱
لوح سوم - در اثبات واجب الوجود و آنچه لایق ذات پاک و عظمت بی نهایت اوست و صفت کمال او.....	۹۲
مقدمه.....	۹۲
قاعده.....	۹۳
قاعده.....	۹۷
قاعده.....	۹۹
قاعده.....	۱۰۱
قاعده.....	۱۰۱
قاعده.....	۱۰۳
لوح رابع - فی النظام و القضاء و القدر و بقاء النفوس و السعادة، والشقاوه واللذة و آثار النفوس، و فيه قواعد.....	۱۰۴
قاعده.....	۱۰۴

۱۰۷	قاعده
۱۱۰	قاعده
۱۱۳	قاعده - در بقای نفس
۱۱۴	قاعده
۱۱۴	قاعده
۱۱۸	قاعده
۱۲۰	قاعده
۱۲۱	قاعده
۱۲۱	قاعده
۱۲۳	قاعده
۱۲۵	قاعده

بخش دوم - رسائل عرفانی ... ۱۳۱

۱۳۳	(۴) رسالة الطیر
۱۳۹	(۵) آواز پر جبرئیل
۱۴۰	مبدء التحديث
۱۴۹	(۶) عقل سرخ
۱۵۷	(۷) روزی با جماعت صوفیان
۱۶۳	(۸) فی حالة الطفولية
۱۷۳	(۹) قصه غربت غربی
۱۷۳	دیباچه
۱۷۹	(۱۰) فی حقیقة العشق
۱۷۹	فصل ۱
۱۸۰	فصل ۲
۱۸۱	فصل ۳
۱۸۱	فصل ۴
۱۸۲	فصل ۵
۱۸۳	فصل ۶
۱۸۶	فصل ۷
۱۸۷	فصل ۸
۱۸۷	فصل ۹

فصل ۱۰.....	۱۸۸
فصل ۱۱.....	۱۸۹
فصل ۱۲.....	۱۹۰
(۱۱) لغت موران.....	۱۹۳
فصل اوّل.....	۱۹۳
فصل دوم.....	۱۹۴
فصل سوم.....	۱۹۵
فصل چهارم.....	۱۹۶
فصل پنجم.....	۱۹۶
فصل ششم.....	۱۹۷
فصل هفتم.....	۱۹۸
فصل هشتم.....	۱۹۹
فصل نهم.....	۲۰۲
فصل دهم.....	۲۰۲
فصل یازدهم.....	۲۰۲
فصل دوازدهم.....	۲۰۳
(۱۲) رساله صغیر سیمرغ.....	۲۰۵
قسم اول: در مبادی.....	۲۰۶
فصل اول از قسم اول: در تفضیل این علم بر جملة علوم.....	۲۰۶
فصل دوم: در آنچه اهل بدایا را ظاهر شود.....	۲۰۷
فصل سوم: در سکینه.....	۲۰۹
قسم دوم: در مقاصد، و آن سه فصل است.....	۲۱۰
فصل اوّل: در فنا.....	۲۱۰
فصل دوم: در آنکه هر که عارفتر بود کامل تر بود.....	۲۱۲
فصل سوم: در اثبات لذت و محبت بنده مر حق تعالی را.....	۲۱۳
فصل، در خاتمت کتاب.....	۲۱۵
بخش سوّم: رسائل منسوب به شهاب الدین سهروردی (شیخ اشراق) ... ۲۱۷	
(۱۳) بستان القلوب یا روضة القلوب.....	۲۱۹
فصل - در بیان آنچه تعلق به طبیعیات دارد.....	۲۲۵
در بیان جهات و فلکیات و آنچه بدان تعلق دارد.....	۲۳۰

۲۳۳	قسم دوم - که تعلق به عالم ارواح دارد.....
۲۳۳	رمز اول.....
۲۳۴	رمز دوم.....
۲۳۴	رمز سوم.....
۲۳۴	رمز چهارم.....
۲۳۵	فصل اول.....
۲۳۵	فصل دوم.....
۲۳۶	فصل سوم.....
۲۳۶	حکایت.....
۲۳۸	فصل چهارم.....
۲۳۹	فصل پنجم.....
۲۴۰	فصل ششم.....
۲۴۲	فصل هفتم.....
۲۴۵	فصل هشتم.....
۲۴۶	فصل نهم.....
۲۴۸	فصل دهم.....
۲۵۱	(۱۴) یزدان شناخت.....
۲۵۲	باب اول - در شناختن باری تعالی از صفات و افعال او عزت قدرته،.....
۲۵۲	فصل اول - در دانستن آن که چرا بیشتر مردم از عالم معقولات بی خبر باشند.....
۲۵۴	فصل دوم - در شناختن ادراکات که بر چند گونه است.....
۲۵۵	فصل سوم - در شناختن عالم عقل و معقولات و اشارتی بدان بر طریق کلی.....
۲۵۷	فصل چهارم.....
۲۵۷	فصل پنجم - در اثبات باری تعالی و وحدانیت او، و نفی جوهریت و جسمیت و عرضیت از ذات او جلّ جلاله و عظم شأنه.....
۲۵۸	فصل ششم - در بعضی صفات واجب الوجود چنان که لایق بود به ذکر این مختصر.....
۲۵۹	فصل هفتم - در شناختن افعال واجب الوجود.....
۲۶۰	باب دوم - در معرفت نفس انسانی و کیفیت حال و چگونگی سعادت و شقاوت او در معاد، و آن هشت فصل است.....
۲۶۰	فصل اول - در احوال وجود آدمی در این عالم.....
۲۶۱	فصل دوم - در پیوستن نفس ناطقه انسانی به بدن انسان و چگونگی آن.....

فصل سوم - در معرفت قوت های نفس ناطقه انسانی و چگونگی آن.....	۲۶۲
فصل چهارم - در اقامت برهان بر آن که نفس ناطقه انسانی جوهری روحانی است.....	۲۶۳
فصل پنجم - در پدید کردن اختلاف نفوس انسانی که از مبادی حاصل و فائض می شود.....	۲۶۴
فصل ششم - در کیفیت استفادت نفس انسانی از عقل فعال در اکتساب صورت معقولات.....	۲۶۵
فصل هفتم - در شناختن معاد نفوس انسانی.....	۲۶۶
فصل هشتم - در شناختن احوال نفوس بعد از مفارقت بدن.....	۲۶۸
باب سوم - در شناختن نبوات و معجزات و کرامات و دانستن نفس قدسی نبوی که چگونه بود و وصول وی و کیفیت حال خواب و شناختن حال مغیبات و معجزات و معرفت کهانت.....	۲۷۱
فصل اول - در شناختن وجود نفس قدسی نبوی که پیغامبران را بود علیهم السلام، و در مراتب موجودات در سلسله نظام که چگونه ممکن بود.....	۲۷۱
فصل دوم - در پدید کردن آن که نفوس قدسی صور معقولات کلیات را به فطرت چگونه دریابند، که عبارت از آن وحی است.....	۲۷۲
فصل سوم - در دانستن کیفیت معجزات و کرامات.....	۲۷۳
فصل چهارم - در دانستن مغیبات که چگونه باشد و حقیقت حال خواب و حقیقت کهانت.....	۲۷۴
فصل پنجم - ابتدا کردن به آنچه وجود نبی ضروری است در این عالم.....	۲۷۶
فصل ششم - در خاتمت این رساله.....	۲۷۷
یادداشت احمد رضا نوری (مشتاق).....	۲۷۹
مصاحبه با دکتر اعوانی.....	۲۸۱
مصاحبه با دکتر حبیبی.....	۲۹۷

مقدمه

شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی معروف به شیخ اشراق و شیخ شهید، بی‌شک از بزرگ‌ترین ستارگان درخشان در آسمان علم و دانش و خورشید تابان در آسمان حکمت اسلامی است. این حکیم بزرگ در طی قریب به ۳۷ سال از زندگی کوتاه خویش توانست حکمت الهی را در عالم اسلامی، پس از حملات سختی که نسبت به آن از سوی برخی متکلمان اشعری به ویژه هم‌وطن او غزالی به عمل آمده بود، احیا کند. ارائه استوارترین مکتب‌های اشراقی در جهان بر مبنای قاعده نور که شاید در سراسر تفکر بشری کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر باشد، شاهکار این شخص به شمار می‌آید.

یکی از دست‌آوردهای بزرگ سهروردی در حکمت اشراق، تفسیر جدید او از حکمت و سیر آن در تاریخ است. برخلاف آنچه غربیان تحت تأثیر آراء ارسطو پنداشته‌اند حکمت منحصر به یونانیان و غربیان نیست، بلکه این حکمت عتیق است که از دیرباز در عالم وجود داشته و بهتر است بگوئیم حکمت از آغاز هستی انسان در این کره خاکی آغاز می‌شود. خداوند هم حکیم و هم جواد مطلق است و حکمت را از هیچ قومی و ملتی دریغ نرزیده است. از سوی دیگر هیچ انسانی نیست که از بارقه‌ای از حکمت در وجود خویش بی‌نصیب مانده باشد.

از سوی دیگر سهروردی در حکمت اشراقی خویش بین دو حکمت ذوقی و حکمت بحثی جمع کرده است و این خود یکی از شاهکارهای بزرگ فلسفی او به شمار می‌رود. جمع بین این دو نوع حکمت چنان‌که خود سهروردی بدان اشاره کرده است تاکنون مورد غفلت قرار گرفته و در تاریخ‌نگاری فلسفه چنان‌که باید و شاید بدان توجه نشده است و اصولاً تاریخ فلسفه از این دیدگاه باید مورد تجدیدنظر کلی قرار گیرد. تأکید سهروردی بر حکمت ذوقی، که آن را «تأله» می‌نامد، به عنوان اصلی از اصول حکمت اشراق، جریان حکمت اسلامی را از دیگران ممتاز کرده است. از امتیازات دیگر حکمت اشراقی سهروردی، دیدگاه ابتکاری آن با توجه به سیر حکمت در جهان

باستان است. حکمت که سهروردی آن را «خمیره ازلی» می خواند، در اندیشه فیلسوفان شرق به ویژه در نزد ایرانیان باستان وجود داشته است. قاعده نور و ظهور اساس تفکر ایرانیان باستان بوده است. حق بزرگ شیخ اشراق بر همه ایرانیان این است که وی در صدد احیای حکمت ایران باستان که آن را حکمت خسروانی و حکمت فهلوی می نامد برآمده است. به سخن دیگر سهروردی خود را وارث دو سنت عظیم حکمت، یعنی حکمت ایرانی و حکمت یونانی، یا حکمت ذوقی و حکمت بحثی می دانست.

از خصوصیات دیگر حکمت ذوقی سهروردی آمیزش بین حکمت رسمی و حکمت قرآنی و حکمت وحیانی است. از نظر سهروردی عارفان اسلامی چون بایزید و جنید و دیگران از زمره متألهانند. گویی در نظر سهروردی حکمت الهی همان نور محمدی است که از یک سو در همه ادیان و از سوی دیگر در حکمت های عتیق از هر مس و فیثاغورس گرفته تا زرتشت و حکمای فرس و در اولیاء و حکمای اسلام تجلی کرده و کمال آن در وحی قرآنی به منصفه ظهور رسیده است. از خصوصیات دیگر حکمت اشراق، تأسیس آن بر قاعده رمز و تمثیل است. فیلسوفان بحثی از درک معنی رمز عاجزند و رمز را به ظاهر لفظ تفسیر می کنند. فهم معنای رمز احتیاج به علم تأویل دارد؛ نوعی تأویل باطنی و درونی که مستلزم نوعی تحول درونی و «تولد ثانی» یا «تولد معنوی» است و این کار تنها با مراجعه به کتب لغت و کشف معنی کلمات امکان پذیر نیست. عالم وجود نیز مبتنی بر قاعده رمز است. بدین معنی که هر پدیده ای در این عالم، رمز اصول و حقایقی است کلی که با تأمل در آن می توان به اصل و حقایق وجود دست یافت. به تعبیر دیگر، آنچه ما آن را امروز یک «داده علمی» یا «پدیدار تاریخی» تلقی می کنیم، از دیدگاه سهروردی می تواند یک «رمز» برای فهم حقایق هستی با استفاده از نظریه تأویل تلقی شود. سهروردی بیشتر آثار خود به ویژه آثار فارسی خود را به شیوه رمزی نوشته است.

از سوی دیگر، حکمت اشراق بر تأویل هستی آدمی استوار است و خودشناسی کلید فهم حکمت اشراق به شمار می آید. جواهر عالم، جواهر غاسق و ظلمانی اند. نور ظاهری مانند نور خورشید نور عارضی است. اولین نور حقیقی نفس انسانی است، به جهت آن که خود را ادراک می کند. اگر نور به آن چیزی تعریف شود که ظاهر بنفسه و مظهر است، این نور همان نفس انسانی است که ذات خود را ادراک می کند و هرگز از خود غایب نیست. علم حضوری نفس به ذات خویش از دست آوردهای دیگر سهروردی و کلید حل بسیاری از معضلات شناخت شناسی عصر جدید است.

حق بزرگ دیگری که سهروردی بر ما ایرانیان دارد این است که بسیاری از رساله های خود را به زبان فارسی نوشته است. البته ابن سینا نیز پیش از وی و بابا افضل کاشانی پس از وی زبان فارسی را برای بیان آراء و نظریات فلسفی خود به کار گرفته اند، اما سهروردی را باید به شایستگی از نثرنویسان فلسفی طراز اول زبان فارسی دانست. کوشش وی در یافتن مترادفات دقیق فارسی برای کلمات پیچیده و دشوار عربی و یونانی بسیار شایسته تقدیر است. بنابراین چاپ آثار فارسی سهروردی را

می‌توان کمک شایسته و بایسته‌ای هم به فلسفه و هم به ادب فارسی دانست. در این جا لازم است از دانشمندانی نام ببریم که در گذشته گام‌های بس بلندی در معرفی و شناسایی سهروردی برداشته‌اند. سهروردی‌شناسی بدون زحمات و کوشش‌های بی‌دریغ دانشمندانی چون مرحوم پروفیسور هانری کربن، استاد دکتر سیدحسین نصر که برای بار اول مجموعه آثار فارسی سهروردی را به شیوه علمی و انتقادی تصحیح و چاپ کرده‌اند، و همچنین استاد دکتر ابراهیمی دینانی و استاد دکتر نجفقلی حبیبی، ممکن نبوده‌است. در این جا شایسته است از زحمات و کوشش‌های آقای نوری و ... که در فراهم آوردن آثار فارسی سهروردی رنج فراوان برده‌اند سپاس‌گزاری کنیم، زیرا در یک کلمه شناخت حکمت اشراق سهروردی برداشتن گامی بلند در جهت درک روح ایران اسلامی و اسلام ایرانی است.

جای بسی خوش‌وقتی است که عده‌ای از استادان موسیقی ایرانی به حکمت اشراق که نمودار روح ایرانی و حکمت الهی است روی آورده‌اند. موسیقی اصیل ایرانی خود شمه‌ای از ظهور حکمت ذوقی است که حکمت اشراق سهروردی مظهر دیگری از آن به شمار می‌رود.

الحمد لله رب العالمین

غلامرضا اعوانی

بیست و پنجم مرداد ماه نود و سه